

مقاله پژوهشی

اصیل

Original  
Article

## مطالعه تأثیر علل دینی و سرمایه اجتماعی بر میزان مدارای اجتماعی

مجتبی میرزائی<sup>۱</sup>، حسین میرزایی<sup>۲</sup>، سولماز آوریده<sup>۳</sup>، هما شه پوری<sup>۴</sup>

### چکیده

**هدف:** مدارای اجتماعی از مهم‌ترین ویژگی‌ها برای حفظ نظم و آرامش اجتماعی است. این خصیصه به ویژه در نظام مدرن جدید که به واسطه آن بسیاری از افراد، با فرهنگ، زبان، قومیت و ملیتهای متفاوت ناچار به زندگی در کنار یکدیگرند، از اهمیت بالایی برخوردار است؛ لذا باید جایگاهی خاص در تحقیقات اجتماعی به آن داده شود. بر همین اساس، تحقیق حاضر به بررسی جامعه‌شناختی این موضوع پرداخته است. **روش:** روش این پژوهش از نوع توصیفی-پیمایشی بوده و جامعه آماری آن، کلیه دانشجویان دانشگاه فردوسی مشهد در همه مقاطع بود که با استفاده از شیوه نمونه‌گیری طبقه‌ای متناسب ۳۲۶ نفر به عنوان حجم نمونه انتخاب شدند. ابزار تحقیق، پرسشنامه‌های استاندارد بوده که با استفاده از نرم‌افزار اس.پی.اس.اس نسخه ۲۲ تجزیه و تحلیل شده است. **یافته‌ها:** بر اساس نتایج، مدارای اجتماعی در جامعه هدف، متوسط ارزیابی شده (۶۱/۰۱ درصد)، همچنین دینداری (۵۳/۲۱) و سرمایه اجتماعی (۵۶/۳) نیز به عنوان متغیرهای مستقل تحقیق از میانگین متوسطی برخوردار بودند. نتایج مرتبط با ضرایب همبستگی نشان از همبستگی بالا بین متغیرهای مستقل و ابعاد آنها با متغیر وابسته تحقیق، یعنی مدارای اجتماعی دارد. نتایج مربوط به رگرسیون چندگانه نیز حاکی از این است که مؤلفه‌های اعتماد اجتماعی، بعد تجربی دینداری، بعد پیامدی دینداری و بعد مناسکی دینداری، ۲۶ درصد از واریانس مدارای اجتماعی را تبیین می‌کنند و در این بین، بعد تجربی دینداری با ضریب بتای ۰/۲۴ و اعتماد اجتماعی با ضریب بتای ۰/۲۰ بیشترین نقش را دارند. **نتیجه‌گیری:** برای تقویت مدارای اجتماعی در بین دانشجویان و قشر جوان جامعه بایستی در جهت تقویت اعتماد اجتماعی و دینداری عمل کرد.

**واژگان کلیدی:** مدارای اجتماعی، اعتماد اجتماعی، دینداری، بعد تجربی دینداری.

◆ تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۲/۰۳ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۲/۳۰

۱. دکترای جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه، دانشگاه فردوسی، مشهد، ایران (نویسنده مسئول).

M\_mirzaie1990@yahoo.com

۲. استادیار و عضو هیئت علمی گروه علوم اجتماعی، دانشگاه فردوسی، مشهد، ایران. hmiraie@um.ac.ir

۳. استادیار گروه علوم اجتماعی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران. avarideh92@pnu.ac.ir

۴. دانشجوی کارشناسی علوم اجتماعی، دانشگاه فردوسی، مشهد، ایران. homa.shahpouri@gmail.com

## الف) بیان مسئله

همزیستی موضوعی است که همیشه و در طول تاریخ وجود داشته و انسانها همواره در پی آن بوده‌اند که شیوه‌های زندگی مسالمت‌آمیز را در کنار یکدیگر بیابند (بهشتی و رستگار، ۱۳۹۲: ۸). از طرفی، این موضوع هیچ‌گاه به گستردگی امروز محل بحث و مناقشه نبوده است؛ زیرا آدمیان هرگز ضرورت تفاوت را چنین ملموس و گسترده، به صورت رویارویی هر روزه با «دیگربودگی»<sup>۱</sup> تجربه نکرده بودند. در واقع؛ در جامعه جدید و با گسترش ارتباطات محلی، ملی و بین‌المللی، برگ نوبنی از تاریخ ورق می‌خورد و مردمان سراسر دنیا، امکان تعامل مداوم و وسیع با یکدیگر را پیدا می‌کنند (اوتق و همکاران، ۱۳۹۸). در این تعامل، افرادی با هویت‌های دینی، ملی و قومی مختلف، در ارتباط نزدیک با هم قرار گرفته و با عرصه‌های نوین فرهنگی آشنا می‌شوند. با وجود این، انسانها در هر جا که زندگی می‌کنند، سعی می‌کنند موقعیتی برای خود دست و پا کرده و برخی از سنت‌های خویش را حفظ کنند (بیاتی و همکاران، ۱۳۹۷: ۲۰). اینجا نقطه آغاز کشمکش و خشونت میان صاحبان اندیشه‌های مختلف است؛ زیرا به نوعی جزمیت و مطلق‌انگاری اعتقاد دارند و با اندیشه‌های مخالف خود به شیوه دگماتیک برخورد می‌کنند. در همین راستا، الی وسل<sup>۲</sup> معتقد است نفرت داشتن از اعضای گروه‌های دیگر، منشأ اصلی مشکلات مردم در عصر جدید است. این تنفر ویرانگر که منجر به رنج و مصیبت می‌شود، اغلب ناشی از آستانه پایین تحمل یا مداراست. به طور معمول، افراد نیت خود را خیر و نیت دیگران را بد می‌پندارند و معتقدند تنها راه خود آنان درست است؛ بنابراین، قادر به تحمل اندیشه‌های مخالف خود نیستند. (گودیکانست، ۱۳۸۳: ۱۴)

برای اداره این تعاملات و تفاوت‌های بین افراد و گروه‌ها، راه‌های متفاوتی وجود دارد که یکی از آنها، مداراست. مدارا پاسخی به تفاوتها و تضادهاست و یک ظرفیت به شمار می‌رود؛ بدین معنا که مدارا آزاد گذاشتن دیگران برای داشتن ویژگی‌های شخصی یا نگهداری عقاید و اعمالی را توصیف می‌کند که دیگران آن را عملی اشتباه یا تنفرانگیز در نظر می‌گیرند (دنيس، ۲۰۰۷: ۳). مدارا یک اصل مهم انسانی است که برای داشتن دموکراسی و یک زندگی متمدن ضروری است. نبود آن منجر به ریشه‌دار شدن شرارت‌هایی از جمله ظلم و ستم، تبعیض ناعادلانه، جنایات و آزار و اذیت مذهبی و سیاسی می‌شود. مدارا توانایی پذیرش

---

1. Otherness  
2. Elei Wiesel  
3. Dennis

## مطالعه تأثیر علل دینی و سرمایه اجتماعی بر میزان ... ♦ ۱۶۷

ارزشها و اعتقادات دیگران است (برگن و باندو، ۲۰۱۰: ۲) که به عنوان فضیلتی اجتماعی و قاعده‌ای سیاسی، امکان همزیستی صلح‌آمیز افراد و گروه‌هایی را فراهم می‌کند که دیدگاه‌هایی متفاوتی دارند و با روش‌های متفاوت در جامعه‌ای واحد زندگی می‌کنند؛ زیرا بحث از مدارا تلویحاً به معنای افتتاح گفتمان آزادی اعتقاد، آزادی وجدان و آزادی بیان است. (شارع‌پور و همکاران، ۱۳۸۸: ۶۶)

اما با وجود اهمیت مفهوم مدارا در سطح جامعه، برای برنامه‌ریزی مساعد در این حوزه می‌بایست مفاهیم تعیین‌کننده و تأثیرگذار بر این مفهوم کلیدی نیز شناخته و بررسی شوند. در همین راستا، در مطالعات پرسل و همکاران<sup>۱</sup> (۲۰۰۱) نشان داده شد که جامعه مدنی عاملی است که بر مدارا تأثیر می‌گذارد. از نظر وی، ویژگی کنونی جامعه مدنی، مفهوم سرمایه اجتماعی است که می‌تواند از طریق تقویت اعتماد و همچنین گسترش شبکه‌های اجتماعی و هنجارهای مناسب، کارایی جامعه را بهبود بخشد. سیگلر و ژوسلین (۲۰۰۲) نیز سرمایه اجتماعی را یکی از عواملی می‌دانند که باعث ارتقای مدارا نسبت به دیگران می‌شود؛ بدین معنی که افراد، زمانی که در شبکه‌های اجتماعی مختلف قرار می‌گیرند و تحت تأثیر هنجارهای موجود در این شبکه‌ها با اقوام، مذاهب و اندیشه‌های متفاوت برخورد می‌کنند، به نسبت زمانی که در این گونه شبکه‌های اجتماعی شرکت نمی‌کنند و از سرمایه اجتماعی اندکی برخوردارند، نگرش مدارا جویانه‌تری نسبت به این گونه تفاوتها نشان می‌دهند.

در کنار عوامل اجتماعی، با توجه به اینکه اکثر جوامع از یک سنت دینی قوی برخوردارند، یکی دیگر از عواملی که می‌تواند در نهادینه کردن سنت مدارا و روابط اجتماعی در جامعه نقش عمده‌ای ایفا کند، نحوه برخورد دینداران با تنوعات موجود در زندگی اجتماعی است. در واقع؛ دین، هنجارها و قواعدی را برای معتقدانش تجویز می‌کند که در اعمال و رفتار آنان در مناسبات روزانه و از جمله در مدارا با کسانی که مورد قبول فرد دیندار نیستند، تأثیرگذار است. در این میان، دینداری می‌تواند از عوامل تأثیرگذار بر سلامت و روابط اجتماعی باشد که نیاز به بررسی‌های بیشتر در این زمینه احساس می‌شود (وولف، ۱۹۹۷<sup>۳</sup>). از این رو، باید اگر می‌خواهیم صلح، ثبات و آزادی در جامعه حاکم شود، باید راهی برای تطابق این تنوعها با هم پیدا کنیم و افراد جامعه را به سمتی سوق دهیم

---

1. Bergen & Bandow  
2. Persell & et al  
3. Wulff

که نه تنها نسبت به این تنوعها حساسیت نداشته باشند، بلکه آنها را به صورت فرصتهایی برای بهتر کردن روند زندگی خود تلقی کنند و از این رهگذر نیز با فرهنگهای مختلف آشنا شوند. از این نظر، مقاله حاضر در پی بررسی این سؤال است که چه رابطه‌ای بین سرمایه اجتماعی و دینداری با مدارا وجود دارد؟

### ۱. مبانی نظری

واژه تولرانس از ریشه لاتین تولرو<sup>۱</sup> به معنی تحمل کردن، اجازه دادن و ایفا کردن است. این واژه با مصدر تولو،<sup>۲</sup> به معنی حمل کردن یا بردن و اجازه دادن است. در ترجمه این دو واژه در زبان فارسی، واژه‌های متفاوتی از جمله رواداری، مدارا، تحمل، تسامح، تساهل و بردباری به کار رفته است (ترکاری، ۱۳۸۹: ۱۳۸). در فرهنگ وبستر نیز از این واژه با معانی‌ای همچون: داشتن ظرفیت تحمل درد و رنج، صبر و شکیبایی، استقامت، تحمل و خویشنداری یاد شده است. (برگن و باندو، ۲۰۱۰: ۲)

در فرهنگ هریتیج آمریکا، مدارا به معنای احترام به هویت، عقاید و رفتار دیگران و شناسایی حقوق رسمی افراد و گروه‌ها برای داشتن عقاید مخالف تعریف شده است. همچنین در بیانیه «اصول مدارا» که طی نشست بیست و هشتمین کنفرانس عمومی یونسکو در ۱۶ نوامبر ۱۹۹۵ مورد تصویب دولتها قرار گرفت، مدارا چنین تعریف شده است: احترام گذاشتن، پذیرش و ارج نهادن به فرهنگهای متنوع پیرامونمان، اشکال مختلف آزادی بیان و شیوه‌های متنوع انسان بودن (بی‌پیکت، ۱۳۹۴). بنابر این تعاریف، ماهیت مدارا این است که مردم حق دارند بر اساس باورهایشان رفتار کنند، حتی اگر باورها و رفتارهای منبعث از آن مورد قبول ما نباشد. لازمه مدارا جو بودن این است که بپذیریم افراد بشر در نگرش، گفتار، رفتار و ارزشهایشان متفاوت‌اند. مدارا در رفتار و کردار افراد ظاهر می‌شود (گلایی و رضایی، ۱۳۹۲: ۶۵). مدارا، اعمال نگرشی عادلانه نسبت به کسانی است که دارای افکار، اعمال، مذهب، ملیت و ... متفاوت از دیگران‌اند. به عبارتی؛ مدارا نشانه‌ای از احترام گذاشتن به انسانیت است. (یوسف، ۲۰۱۳: ۲۲۷)

ایده‌های مدرن مربوط به مفهوم تحمل و مدارا برای اولین بار در قرون ۱۶ و ۱۷ از طریق دانشمندان شناخته شده‌ای همچون: اراسموس، میشل دو مونتائین، جان لاک و پیر بیل<sup>۳</sup> به

---

1. Tolero  
2. Tollo  
3. Erasmus, Michel de Montaigne, John Lock & Pierre Bayle

عنوان پاسخی کم و بیش مستقیم به آشفتگی‌های سیاسی و مذهبی سراسر اروپا در طول دوره اصلاحات و ضد اصلاحات مطرح شد. از آن به بعد نیز مفهوم مدارا به عنوان شرط لازم برای دستیابی به همزیستی مسالمت‌آمیز و آزادی‌های برابر برای همه شهروندان تبدیل شد. (فرناندز،<sup>۱</sup> ۲۰۰۸)

در بین صاحب‌نظران، مدارا به عنوان یک مفهوم چند بعدی در نظر گرفته شده است. کینگ<sup>۲</sup> (۱۹۷۶) مدارای اجتماعی را شامل سه نوع مدارای هویتی، سیاسی و رفتاری می‌داند. مدارای هویتی، ناظر به هویت اجتماعی دیگران و شامل مدارا نسبت به پیروان ادیان دیگر (مدارای دینی)، مدارا نسبت به افرادی از ملیتهای دیگر (مدارای ملیتی) و مدارا نسبت به قومیت‌های دیگر (مدارای قومیتی) می‌شود. مدارای سیاسی به معنی شناسایی حق گردهمایی صاحبان عقاید مخالف و نشان‌دهنده حق اعتراض برای گروه‌هایی است که مورد تأیید فرد نیستند. این نوع مدارا از ارزشهای اساسی دموکراتیک است که به دموکراسی‌های موفق و سالم نسبت داده می‌شود. مدارای سیاسی متضمن به کارگیری اصول دموکراسی؛ یعنی حمایت از حقوق مدنی، حقوق اقلیت و به کارگیری آنها در عمل، در برابر گروه‌های منفور است. دموکراسی‌های لازم‌نیازمند شهروندانی اند که در برابر دیدگاهها و مشارکت سیاسی دیگران مدارا داشته باشند، حتی اگر نظرهایشان مخالف با آنها باشد یا احساس کنند که با مشارکت آنها تهدید می‌شوند (ادبی سده و همکاران، ۱۳۹۱: ۳۵۹). مدارای رفتاری نیز به معنی عدم سختگیری نسبت به برخی از الگوهای رفتاری است که از نظر فرد نادرست‌اند و شامل سه نوع است: مدارا در الگوهای روابط جنسیتی، مدارا نسبت به جرم، مدارا نسبت به مجرمان. (سراج‌زاده و همکاران، ۱۳۸۳: ۱۱۶)

وگت<sup>۳</sup> (۱۹۹۷) مدارا را یک گرایش رفتاری<sup>۴</sup> در نظر می‌گیرد؛ یعنی نگرش را از خلال رفتار درمی‌یابد که در این معنا، این مفهوم در مقابل نگرش<sup>۵</sup> قرار می‌گیرد. سازه مدارا در نظر وگت، از سنت علوم سیاسی می‌آید و او مدارا را اساسی‌ترین پیش‌نیاز برای جامعه مدنی برمی‌شمارد. وی بر اساس کار سولیوان، پیرسون و مارکوس<sup>۶</sup> نشان می‌دهد مدارا شامل نگرش منفی نسبت به دیگران و حمایت از حقوق و آزادی‌های آنها به طور همزمان است.

---

1. Fernandez  
2. King  
3. Vogt  
4. Behavioral Disposition  
5. Attitude  
6. Sullivan, Pierson & Marcus

در نظر وگت، اگر این دو جزء به طور همزمان ارائه نشوند، مدارا وجود ندارد. در توصیفی که وگت از مدارا ارائه داده، کارهای قدیمی‌تر از قبیل کریک (۱۹۷۱)، کینگ (۱۹۷۶) و کربت (۱۹۸۲) را با هم ادغام کرده است. وگت (۱۹۹۷) مدارا را به سه دسته ذیل تقسیم می‌کند که با یکدیگر همپوشی دارند.

- **مدارای سیاسی:** وی مدارای سیاسی را مدارا نسبت به اعمال افراد در

فضای عمومی با احترام به آزادی‌های مدنی<sup>۱</sup> دیگران می‌داند (دومهری و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۵۰). به عبارتی؛ مدارای سیاسی، مدارا نسبت به کسانی است که در پی ایجاد خیر عمومی‌اند.

- **مدارای اجتماعی:** منظور وگت از مدارای اجتماعی، مدارا نسبت به

حالت‌های مختلف انسان بودن است؛ چه آنهایی که از هنگام تولد همراه با افرادند (مثل رنگ پوست و قومیت) و چه آنهایی که در طول زندگی از طریق فرایند اجتماعی شدن کسب می‌شوند. (جلانین بخشنده و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۳۹)

- **مدارای اخلاقی یا رفتاری:** وی این نوع را مدارا نسبت به اعمال دیگران

در فضای خصوصی می‌داند (ترکاری، ۱۳۸۹: ۱۴۱)؛ یعنی مدارا نسبت به اعمال کسانی که به دنبال ایجاد زندگی خوب برای خودشان، خارج از فضای خیر عمومی می‌باشند. (شارع‌پور و همکاران، ۱۳۸۸: ۷۸)

والرز<sup>۲</sup> معتقد است مدارا حتی در اکراه‌آمیزترین شکلها و بی‌ثبات‌ترین سامانهای آن نیز بسیار مطلوب است. وی مدارا را همزیستی گروه‌های مختلف مردم با تاریخ، فرهنگ و هویت‌های گوناگون تعریف می‌کند و معتقد است در گفتارهای عادی، اغلب مدارا را به معنی نابرابری می‌دانند که در آن، گروه‌ها و افراد در موقعیت پست‌تر محل مدارا قرار می‌گیرند. (والرز، ۱۳۸۳: ۱۵)

آگیوس و آمبروسویچ<sup>۳</sup> (۲۰۰۳) نیز ویژگی‌های ذیل را برای مفهوم مدارا مشخص کردند:

- مدارا به عنوان احترام و پذیرش تنوع فرهنگ‌های دنیای اطرافمان و شیوه‌های متفاوت انسان بودن تعریف شده است.

---

1. Civil Liberties  
2. Walrez  
3. Agius & Ambrosewicz

- مدارا به معنی سازش، بخشش یا تشویق رفتار منفی نیست؛ در اصل، مدارا نگرشی فعال بر اساس به رسمیت شناختن حقوق و آزادی‌های همگانی بشری است.
- مدارا مسئولیتی است که در ایجاد حقوق بشر، پلورالیسم، دموکراسی و حاکمیت قانون اثر می‌گذارد. مفهوم مدارا شامل طرد جزم‌اندیشی و مطلق‌گرایی و تأیید استانداردهای حقوق بشر بین‌الملل است. (عسگری و شارع‌پور، ۱۳۸۸: ۴)

جین و کرنیو<sup>۱</sup> (۲۰۰۹) مدارا را با عنوان احترام گذاشتن به تنوع و گوناگونی‌های فرهنگی تعریف کردند. فلوریدا<sup>۲</sup> (۲۰۰۳) نیز مدارا را به عنوان باز بودن و جذب تنوع فرهنگی در جامعه و احترام به تمام اقوام، نژادها و طبقات مختلف جامعه تعریف می‌کند (برگرن و نیلسون، ۲۰۱۳: ۳). از نظر اسکانلون<sup>۴</sup> (۲۰۰۳)، مدارا ما را وادار به پذیرش و تأیید مردم و اعمال آنها می‌سازد، حتی زمانی که آنها را تا حد زیادی قبول نداریم. بنابر این، از نظر وی، مدارا بین پذیرش از دل و جان و تقابل کامل جای دارد (گلابی و رضایی، ۱۳۹۲: ۶۵). از نظر فرار<sup>۵</sup> (۱۹۷۶)، مدارا آمیزه‌ای از نگرش‌هاست که نگرش انعطاف‌پذیر نسبت به گروه‌ها، باورها و فعالیتها، تأیید دامنه وسیعی از باورها و اعمال و مجاز شمردن دامنه وسیعی از حقوق و امتیازات را در بر می‌گیرد. مک کینیون و کاستیگلیون<sup>۶</sup> (۲۰۰۳) نیز بر این باورند که مدارا در میان طیفی از نگرش‌ها قرار می‌گیرد که به مواجهه افراد با تفاوتها مربوط است. در یک سوی این طیف، سرکوب قرار دارد و سپس به ترتیب مدارا، همکاری و تحسین جای می‌گیرند (جهانگیری و افراسیابی، ۱۳۸۹: ۱۵۸). طبق نظر چیکرینگ و ریسر<sup>۷</sup> (۱۹۹۳)، افراد مداراجو نوعی توانایی کسب کرده‌اند که به آنها اجازه می‌دهد علاوه بر پذیرش و احترام نسبت به تفاوتها، به تحقیق بیشتر درباره این تفاوتها علاقه نشان دهند و نیز بپذیرند که این تفاوتها وجود دارند. (گلابی و رضایی، ۱۳۹۲: ۶۶)

اسکارمن<sup>۸</sup> (۱۹۸۷) نیز به نوبه خود، مدارا را به دو دسته مثبت و منفی تقسیم کرده است. مدارای منفی به معنای عدم مداخله در امور مردم و رها کردن مردم به حال خودشان معرفی شده است. بر پایه این نظر، هر فرد در ارتباط با مسائل مختلف زندگی، گزینشها و تصمیم‌گیری‌ها، دارای آزادی کامل است و افراد حق دخالت در محدوده آزادی فرد را

---

1. Jeanne & Corneo  
2. Florida  
3. Berggren & Nilsson  
4. Scanlon  
5 - Ferrar  
6 - Mckinnon, C. & Gastiglione, D  
7. Chickering & Reisser  
8. Scarman

ندارند. از طرف دیگر، مدارای مثبت به معنی پشتیبانی از حقوق و آزادی‌های مردم برای دستیابی به اهداف زندگی و برخورداری آنها، به ویژه اقلیتها، از فرصتهای برابر در جامعه است. در سایه به کارگیری مدارای مثبت، مردم می‌توانند به مدد خدمات اجتماعی و اقتصادی که از سوی دولت ارائه می‌شود، از امکانات موجود در جامعه بهره‌مند شوند.

به عقیده اسکارمن، بر پایه نظریه مدارای مثبت، تحمل افکار و عقاید، شیوه زندگی و علایق فرهنگی و دینی مردم، امری ضروری است، اما کافی نیست. همگام با طرح مدارای منفی، باید به حمایت قانونی از حقوق مردم، به ویژه اقلیتها پرداخت و به آنان برای برخورداری از فرصتهای برابر در جامعه کمک کرد. به عبارت دیگر؛ اگر قانون در معنای مثبت خود مداراجو باشد، باید از منافع اقلیتها در میان ما حمایت کند. وی معتقد است عدم مداخله در امور مردم به مثابه جنبه منفی مدارا، تنها ارزش قانونی دارد و کافی نیست که از سوی قانون به رسمیت شناخته شود و به اجرا درآید. در نهایت، وی به این نتیجه می‌رسد که در صورتی جامعه می‌تواند از امنیت، نظم، ثبات و اقتدار بهره‌مند شود که گذشته از مدارای منفی، مدارای مثبت نیز به طور فراگیر مطرح شود. (عسگری و شارع‌پور، ۱۳۸۸: ۹-۸)

### یک) سرمایه اجتماعی<sup>۱</sup>

مفهوم سرمایه اجتماعی از جمله مفاهیم مدرن است که در گفتمان علوم اجتماعی و محافل سیاسی معاصر در سطوح مختلف استفاده شده است (افشانی و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۶۰). سرمایه اجتماعی را می‌توان محیطی با مجموعه قواعد اخلاقی- اجتماعی و رفتاری دانست که به طور ضمنی رفتار افراد را شکل می‌دهد و کمک می‌کند تا سرمایه انسانی و سرمایه مادی و اقتصادی بتوانند در تعامل با هم به رشد پویا برسند. سرمایه اجتماعی بستر و فضایی است که تعامل نیروهای انسانی و استفاده این نیروی انسانی از سرمایه مادی را کم‌تنش و کم‌هزینه می‌کند. (نازک‌تبار و ویسی، ۱۳۸۷: ۳۰-۱۲۹)

پوتنام<sup>۲</sup> سرمایه اجتماعی را مجموعه‌ای از مفاهیم مانند اعتماد، هنجارها و شبکه‌ها می‌داند که موجب ایجاد ارتباط و مشارکت بهینه اعضای یک اجتماع شده، منافع متقابل و گاهی مشترک آنان را تأمین می‌کند (افشانی و همکاران، ۱۳۹۰: ۲۶۴). به اعتقاد وی، اعتماد و عمل متقابل اعضا در شبکه، منابعی اند که کنشهای اعضا را تحت تأثیر قرار می‌دهند (ریبی و صادق‌زاده، ۱۳۹۰: ۹-۱۹۸).

خلاصه اینکه، سرمایه اجتماعی در برگیرنده روابطی در بین مردم است که به نوعی

1. Social Capital

2. Putnam



## مطالعه تأثیر علل دینی و سرمایه اجتماعی بر میزان... ♦ ۱۷۳

کنش را تسهیل می‌کند. این سرمایه تا حدی ناملموس است؛ زیرا در بر گیرنده روابط شخصی نیز بوده و می‌تواند در سطح فردی، درون‌گروهی و بین‌گروهی کاربرد داشته باشد. (عباس‌زاده و مقتدایی، ۱۳۸۸: ۱۰)

بانک جهانی نیز سرمایه اجتماعی را پدیده‌ای می‌داند که حاصل تأثیر نهادهای اجتماعی، روابط انسانی و هنجارها بر کمیّت و کیفیت تعاملات اجتماعی است. تجارب این سازمان نشان داده است که این پدیده تأثیر قابل توجهی بر اقتصاد و توسعه کشورهای مختلف دارد. افزایش این سرمایه در جامعه می‌تواند موجب پایین آمدن جدی سطح هزینه‌های اداره جامعه و نیز هزینه‌های عملیاتی سازمانها شود. (ولکاک و نارایان، ۲۰۰۱)

بنا بر نظر ناهاپیت و گوشال،<sup>۲</sup> سرمایه اجتماعی به منزله مجموعه‌ای از منابع بالقوه و بالفعلی است که در شبکه روابط افراد کارآفرین وجود داشته، قابل دسترسی است و از آن ترکیب می‌شود. از آنجا که سرمایه اجتماعی شامل مجموعه‌ای از روابط است؛ بنابر این، جنبه‌های متفاوتی را شامل می‌شود که می‌توان آن را در سه بعد ذیل بررسی کرد (ناهاپیت و گوشال، ۱۹۹۸: ۲۴۳)

**بعد رابطه‌ای:**<sup>۳</sup> شامل هنجارها، انتظارات و سطوحی از اعتماد یا احترام است که از طریق تعاملات مکرر در درون شبکه توسعه یافته است.

**بعد ساختاری:**<sup>۴</sup> به الگوهایی کلی از روابط بین کنشگران اشاره می‌کند؛ روابطی همچون پیوندهای ساختاری، فعالیتها و نحوه سازماندهی کار گروهی.

**بعد شناختی:**<sup>۵</sup> مجموعه‌ای از طرحهای تفسیری، کدها و زبانهای مشترک است که با استفاده از آن، بینش مشترکی از اهداف و ارزشها را برای اعضای شبکه فراهم می‌آورد (همان: ۲۴۴). این بعد از سرمایه اجتماعی کمک می‌کند تا افراد در یک گروه، از اهداف و چشم‌انداز مشترکی برخوردار باشند. (اوفوری و ساکی، ۲۰۱۰: ۷۵)

با وجود اینکه ناهاپیت و گوشال برای تحلیل سرمایه اجتماعی، این سه بعد را از یکدیگر تفکیک می‌کنند، اما معتقدند که این ابعاد به هم وابسته‌اند. برای مثال، بعد شناختی سرمایه

---

1. Wool Cock & Narayan  
2. Nahapiet & Ghoshal  
3. Relational  
4. Structural  
5. Cognitive  
6. Ofori & Sackey

اجتماعی از طریق ابعاد رابطه‌ای و ساختاری تقویت شده، آنها را نیز تقویت می‌کند. (میرکمالی و جعفری، ۱۳۹۱: ۲۷)

### دو) دینداری

مفهوم دین همواره در میدان نظرات مختلف قرار داشته است و تاکنون به توافق مشترک تحویل نیافته؛ البته این پیچیدگی بدان معنا نیست که انسانها به طور کلی از درک آن عاجز باشند. به تعبیر رابرت هیوم،<sup>۱</sup> «دین به اندازه‌ای ساده است که هر بچه‌ عاقل و بالغ یا آدم بزرگ می‌تواند یک تجربه دینی حقیقی داشته باشد و به اندازه‌ای جامع و پیچیده است که برای فهم و بهره‌گیری تام از آن، نیازمند تجربه و تحلیل است». میرچا الیاده<sup>۲</sup> نیز بر این نکته مهم، چنین تصریح می‌کند: «شاید هیچ کلمه‌ای غیر دین نباشد که همواره و آشکارا خیلی صاف و ساده به کار رود؛ ولی در واقع، نمایانگر نگرشهایی باشد که نه فقط بسیار متفاوت‌اند، بلکه گاه مانعه‌الجمع‌اند». (خسروپناه، ۱۳۸۳: ۲۴)

دینداری از جنبه‌های مهم دین است که اغلب به عنوان شدت اعتقادات مذهبی و مشارکت در آن تلقی می‌شود (ژانگ، ۲۰۰۸: ۲۳۶). در واقع؛ دینداری صفت و حالت انسان درباره دین است و به عبارتی؛ حاصل و نتیجه همان برداشتی است که از دین ارائه می‌شود (امام‌جمعه‌زاده، ۱۳۸۹: ۱۱). تحقیقات درباره دینداری نشان می‌دهد که دینداری یک تجربه یک‌بعدی در زندگی افراد نیست و مستلزم بیش از یک بعد است و ابعاد متفاوتی را شامل می‌شود (کوکخان، ۲۰۰۴). هدن<sup>۵</sup> معتقد است که دینداری عامل اساسی اجتماعی شدن و انسجام فکری، عملی و جهت‌گیری در رفع مشکلات، پدیده‌ها و مسائل اجتماعی است. (نازک‌تبار و همکاران، ۱۳۸۵: ۲۳۴)

دینداری صفت و حالت انسان درباره دین است و به عبارتی؛ دینداری حاصل و نتیجه همان برداشتی است که از دین ارائه می‌شود (امام‌جمعه‌زاده، ۱۳۸۹: ۱۱). در واقع؛ دینی بودن، عنوان عامی است که به فرد یا پدیده‌ای گفته می‌شود که ارزشها و نشانه‌های دینی در آن متجلی است. تجلی ارزشها و نشانه‌های دینی بودن فرد را در نگرش، گرایش و کنشهای آشکار و پنهان او می‌توان جست و شناسایی کرد. بنابر این، فرد متدین را می‌توان از دو راه شناسایی کرد: یکی، از راه پایبندی و التزام دینی‌اش و دیگری، از پیامد دینداری و آثار تدین در فکر،

---

1. Robert Hume  
2. Mircea Eliade  
3. Zhang  
4. Küçükcan  
5. Heden

جان و عمل فردی و اجتماعی او. به طور کلی، دینداری یعنی داشتن اهتمام دینی به گونه‌ای که نگرش، گرایش و کنشهای فرد را متأثر کند. (ادب بهروز، ۱۳۸۹: ۳۸)

## ۲. پیشینه

سراج‌زاده و همکاران (۱۳۸۳) در مقاله‌ای به بررسی رابطه میزان دینداری و انواع آن با مدارای اجتماعی پرداختند. در این مقاله بر اساس یک نمونه ۳۳۵ نفری از دانشجویان، رابطه میزان و انواع دینداری با مدارای اجتماعی بررسی شده است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که تأثیر میزان دینداری بر ابعاد و مؤلفه‌های مختلف مدارا متفاوت است. هر چه افراد دیندارتر باشند، مدارای آنان نسبت به موضوعاتی مثل مسائل جنسی، جرم و ارتباط با غیر مسلمانان کمتر است. اما دینداری بر مدارای سیاسی، مدارای ملیتی و مدارای قومی تأثیر چندانی ندارد. از طرف دیگر، اثر نوع دینداری، که در این پژوهش به کثرت‌گرا، شمول‌گرا و انحصارگرا تقسیم شده است، بر انواع مدارا بیش از میزان دینداری است. در مجموع، بر اساس یافته‌های این پژوهش نمی‌توان از رابطه یک بعدی بین دینداری و مدارا صحبت کرد، بلکه برای رسیدن به یک رابطه واقعی و دقیق درباره دینداری و مدارا، لازم است هم ابعاد و موضوع مورد مدارا و هم نوع دینداری مشخص شود. در موضوعاتی که هنجارها و قواعد دینی مشخص و صریح‌اند، مدارای دینداری نیز کمتر می‌شود. همچنین در مقایسه با سایر متغیرهای مورد بررسی، نوع دینداری اصلی‌ترین متغیر برای تبیین تغییرات مدارای اجتماعی است.

جهانگیری و افراسیابی (۱۳۸۹) مدارا را به معنای به رسمیت شناختن دیگری دانسته و عوامل مؤثر و پیامدهای مدارا را در خانواده‌های شهر شیراز سنجیده‌اند. ایشان متغیرهایی مثل امکانات زندگی، تحصیلات، استفاده از رسانه و روابط خانوادگی را متغیرهای اثرگذار بر مدارا در فضای خانواده تحلیل کردند و مسائلی مانند انحرافات، دروغ و ترک خانواده را از جمله پیامدهای مدارا نکردن مورد مطالعه قرار دادند. یافته‌های این تحقیق نشان داد که متغیرهای تحصیلات والدین، استفاده از رسانه‌ها، امکانات زندگی، درآمد خانواده، روابط اجتماعی و فعالیتهای مدنی اعضای خانواده، دارای رابطه معناداری با میزان حاکمیت مدارا در فضای خانواده‌هاست.

شارع‌پور و همکاران (۱۳۸۸) در مقاله‌ای به تحلیل ارتباط بین سرمایه اجتماعی و انواع مدارا پرداخته‌اند. نتایج تحقیق آنان گویای این است که متغیر اعتماد نهادی با تمامی ابعاد مدارا رابطه منفی معناداری داشته است. همچنین بین مشارکت در شبکه‌های رسمی و غیر رسمی

با مدارا رابطه مثبت و معناداری بوده است. شارع‌پور و عسگری (۱۳۸۸) در تحقیق دیگری به گونه‌شناسی مدارا و سنجش آن پرداخته و بر اساس تقسیم‌بندی وگت، سه نوع مدارای اجتماعی و سیاسی و اخلاقی رفتاری را بررسی کرده‌اند. از نتایج مهم این تحقیق، رابطه مثبت و معنادار میان تحصیلات پاسخگویان و میزان مدارای اجتماعی است؛ بدین ترتیب که با افزایش مقطع تحصیلی افراد، میزان مدارای آنان در زمینه‌های مختلف نیز افزایش پیدا کرده است.

یافته‌های تحقیق ادیبی سده و همکاران (۱۳۹۱) در بررسی مدارای اجتماعی و ابعاد آن، حاکی از وجود رابطه معنادار بین متغیرهای مستقلی همچون: سن، وضعیت تأهل، درآمد، جامعه‌پذیری قومی، قوم‌مداری و سرمایه فرهنگی با متغیر وابسته مدارای اجتماعی است. نتایج این تحقیق (ارتباط معنادار و منفی بین دو متغیر قوم‌مداری با مدارای اجتماعی) نشان می‌دهد که هر چه فرد تعلق بیشتری به ابعاد قومیتی خود داشته یا جامعه‌پذیری شدیدتری را تجربه کرده باشد، مدارای اجتماعی او در زمینه‌های مختلف کمتر است؛ اما این نتیجه در خصوص ارتباط بین مصرف رسانه یا سرمایه فرهنگی با مدارای اجتماعی به شکل مثبت و معنادار به دست آمد.

ترکرانی (۱۳۸۹) در تحقیق خود به بررسی و سنجش وضعیت دینداری در لرستان پرداخته است. در این نوشتار برای سنجش مدارای اجتماعی در جامعه مورد مطالعه، از روش توصیفی و پیمایشی استفاده شده و به طراحی مقیاسی چند بعدی بر مبنای مدل کینگ پرداخته شده است. یافته‌های تحقیق نشان داد که در جامعه مورد مطالعه، مدارای قومیتی و ملیتی و مدارا در رفتار با مجرمان در سطح متوسط رو به بالا، مدارای جنسیتی، محلی و مدارای عقیدتی در سطح متوسط و مدارا نسبت به جرم، روابط جنسی و مدارای سازمانی در سطح پایینی قرار دارد. همچنین نتایج نشان داد میزان شاخص کل مدارای اجتماعی در استان لرستان متوسط رو به پایین است. این نشان‌دهنده آن است که در بعضی از حوزه‌ها احتمال پیدایش رفتارهای تضادآمیز و منازعه‌ای بالا بوده و توجه به این شکافها ضروری است.

در مطالعه دیگری که توسط گلابی و رضایی (۱۳۹۲) انجام شد، یافته‌های تحقیق رابطه‌ای مثبت و معنادار را بین میزان مدارای اجتماعی با مشارکت اجتماعی و ابعاد آن نشان داد. در این تحقیق، رابطه بین مشارکت اجتماعی و مدارای اجتماعی بر اساس وضعیت تأهل دانشجویان معنادار نبوده است. در متغیرهای زمینه‌ای، مقطع تحصیلی تأثیر معناداری بر

## مطالعه تأثیر علل دینی و سرمایه اجتماعی بر میزان ... ♦ ۱۷۷

مدارای اجتماعی داشته است. در نهایت نیز نتایج تحلیل رگرسیون تحقیق نشان داد که ۱۲/۸ درصد از تغییرات متغیر مدارای اجتماعی توسط ابعاد سه گانه مشارکت اجتماعی قابل تبیین است که در این بین، سهم بعد نگرش مشارکتی بیشتر از دو بعد دیگر بود.

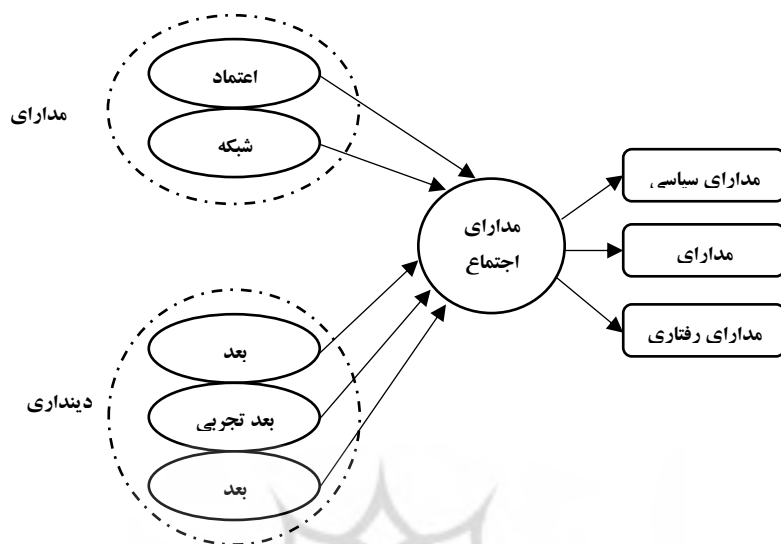
در تحقیق برگرن و نیلسون (۲۰۱۳)، نتایج مربوط به تجزیه و تحلیل ۶۵ کشور نشان داد که بین آزادی اقتصادی و مدارا نسبت به همجنسگرایان، رابطه مثبت و مستقیم وجود دارد؛ به این صورت که با افزایش آزادی اقتصادی، مدارا نسبت به همجنسگرایان نیز افزایش می یابد. نتایج همچنین بیانگر آن بود که سیاست پولی باثبات در جامعه نیز با میزان مدارا ارتباط معنادار دارد. علاوه بر این، نتایج تحقیق نشان داد که اعتماد اجتماعی نیز نقشی را به عنوان مکانیسمی مؤثر در رابطه بین آزادی اقتصادی و مدارا بازی می کند؛ بدین معنا که هر چقدر میزان اعتماد اجتماعی افزایش یابد، رابطه بین آزادی اقتصادی و مدارا نیز قوی تر می شود.

ایکدا<sup>۱</sup> (۲۰۰۲) نیز در پژوهش «سرمایه اجتماعی و ارتباط اجتماعی در ژاپن: مشارکت سیاسی و مدارای سیاسی» به بررسی سرمایه اجتماعی و برخی نتایج متصور برای آن از قبیل مشارکت و مدارا پرداخته است. روش او در این تحقیق، تحلیل داده های ثانویه می باشد؛ بدین معنی که داده های مورد نیاز را از پیمایشی طولی که در سرتاسر ژاپن در آوریل سال ۲۰۰۰ و نوامبر همان سال انجام شده، اخذ کرده است. نتایج این تحقیق، اهمیت سرمایه اجتماعی و ارتباط اجتماعی را در مدارای اجتماعی نشان داد.

در مجموع، با توجه به نظریه ها و تحقیقات جامعه شناختی، می توان پدیده مدارا را در ارتباط با سرمایه اجتماعی و دینداری قرار داد و از سرمایه اجتماعی و دینداری و مؤلفه های آنها به عنوان مؤثرترین عوامل یاد کرد. بر همین اساس نیز هدف پژوهش حاضر، بررسی ارتباط متغیرهای سرمایه اجتماعی و دینداری با میزان مدارای افراد است. حال بر این اساس، مدل تحلیلی و فرضیه های ذیل قابل استنباط است.

---

<sup>۱</sup> - Ikeda



نمودار ۱: مدل تحلیلی تحقیق

### ۳. فرضیه‌های تحقیق

بر اساس مبانی نظری و پیشینه تجربی مرور شده، فرضیه‌های تحقیق به صورت ذیل تعریف می‌شوند.

#### فرضیه‌های اصلی

- بین سرمایه اجتماعی و مدارای اجتماعی رابطه معناداری وجود دارد.
- بین دینداری و مدارای اجتماعی رابطه معناداری وجود دارد.

#### فرضیه‌های فرعی

- بین بعد اعتماد اجتماعی متغیر سرمایه اجتماعی و مدارای اجتماعی رابطه معناداری وجود دارد.
- بین بعد شبکه اجتماعی متغیر سرمایه اجتماعی و مدارای اجتماعی رابطه معناداری وجود دارد.
- بین بعد مناسکی دینداری و مدارای اجتماعی رابطه معناداری وجود دارد.
- بین بعد تجربی دینداری و مدارای اجتماعی رابطه معناداری وجود دارد.
- بین بعد پیامدی دینداری و مدارای اجتماعی رابطه معناداری وجود دارد.

### ب) روش‌شناسی تحقیق

پژوهش حاضر از نوع پیمایشی است و نتایج نمونه، قابل تعمیم به کل جامعه آماری است. با توجه به امکان استفاده از نتایج، تحقیق از نوع کاربردی محسوب می‌شود. همچنین واحد مشاهده در این تحقیق، فرد است و تحقیق در سطح توصیف و تبیین عوامل جامعه‌شناختی مؤثر بر متغیر وابسته تحقیق انجام می‌شود. جامعه آماری پژوهش، تمام دانشجویان دانشگاه فردوسی مشهد در سال ۱۳۹۸-۹۹ در تمام مقاطع تحصیلی است که بر اساس فرمول کوکران و با استفاده از نمونه‌گیری طبقه‌ای تصادفی، ۳۲۶ نفر به عنوان حجم نمونه انتخاب شده است. بدین منظور، از هر دانشکده بر اساس تعداد دانشجویان آن نمونه‌گیری شد.

#### ۱. بررسی اعتبار و روایی اندازه‌گیری تحقیق

اعتبار ابزار تحقیق حاضر از نوع صوری بوده و از طریق مراجعه به صاحب‌نظران (اساتید دانشگاه) حاصل شده است. برای محاسبه روایی گویه‌های تحقیق نیز از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شده است. برای سنجش میزان دینداری و ابعاد آن از ۱۳ گویه، برای اندازه‌گیری سرمایه اجتماعی و ابعاد آن از ۱۲ گویه و برای اندازه‌گیری مدارای اجتماعی از ۱۶ گویه استفاده شده است.

جدول ۱: نتایج آزمون آلفای کرونباخ

متغیرها	ابعاد	تعداد گویه‌ها	آلفای کرونباخ گویه‌ها	آلفای کرونباخ کل
سرمایه اجتماعی	اعتماد اجتماعی	۶	۰/۷۶۵	۰/۷۹۸
	شبکه اجتماعی	۶	۰/۷۸۴	
دینداری	تجربی	۴	۰/۷۸۰	۰/۸۳
	پیامدی	۴	۰/۷۹۴	
	مناسکی	۵	۰/۸۴۱	
مدارای اجتماعی	-	۱۶	-	۰/۷۰۶

## ۲. تعاریف مفهومی و عملیاتی متغیرهای تحقیق

**مدارا:** منظور از مدارا، احترام گذاشتن به هویت، عقاید و رفتار دیگران و شناسایی حقوق رسمی افراد و گروه‌ها برای داشتن عقاید مخالف است. این مفهوم بر اساس تقسیم‌بندی پتر کینگ، شامل سه نوع مدارای هویتی، سیاسی و رفتاری است (سراج‌زاده و همکاران، ۱۳۸۳: ۱۲۳). در این تحقیق نیز بر اساس سه شاخص مدارای سیاسی، مدارای هویتی و مدارای رفتاری، میزان مدارای اجتماعی بررسی شده است.

**دینداری:** دینداری صفت و حالت انسان دربارهٔ دین است و به عبارتی؛ حاصل و نتیجهٔ برداشتی است که از دین ارائه می‌شود (میرزائی و میرزائی، ۱۳۹۷: ۱۳). در تحقیق حاضر برای اندازه‌گیری میزان دینداری نمونهٔ تحقیق، از سه بعد تجربی، مناسکی و پیامدی استفاده شده است. (عباس‌زاده و میرزائی، ۱۳۹۳؛ میرزائی و میرزائی، ۱۳۹۷)

**سرمایهٔ اجتماعی:** مجموعه‌ای از مفاهیم، مانند اعتماد، هنجارها و شبکه‌هاست که موجب ایجاد ارتباط و مشارکت بهینه بین اعضای یک اجتماع شده، منافع متقابل و گاهی مشترک آنان را تأمین می‌کند (عباس‌زاده و میرزائی، ۱۳۹۳: ۱۰۴). در این تحقیق برای بررسی سرمایهٔ اجتماعی افراد، از شاخصهای اعتماد اجتماعی و شبکهٔ اجتماعی استفاده شده است.

## ج) یافته‌های پژوهش

### ۱. یافته‌های توصیفی

بر اساس نتایج؛ میانگین سنی نمونهٔ تحقیق، ۲۵/۰۸ سال و دامنهٔ سنی دانشجویان، ۱۸ تا ۴۱ سال بوده است. ۴۸/۳ درصد پاسخگویان، مرد و ۴۷/۲ درصد، زن (۴/۵ درصد بدون پاسخ) و ۶۶/۰۳ درصد نیز مجرد بوده‌اند. از نظر مقطع تحصیلی نیز کارشناسی با ۴۴/۵ درصد، کارشناسی ارشد با ۳۲/۱ درصد و دکتری با ۲۰/۳ درصد، حجم نمونه را تشکیل داده‌اند (۳/۱ درصد بدون پاسخ). این تعداد بر اساس سهم هر یک از مقاطع تحصیلی در جامعهٔ آماری انتخاب شده است. از نظر رشتهٔ تحصیلی، رشته‌های علوم انسانی با ۳۶/۹ درصد، رشته‌های کشاورزی با ۲۷/۱ درصد و رشته‌های علوم پایه و فنی با ۳۵ درصد، حجم نمونه را تشکیل داده‌اند.

در تحقیق حاضر برای اندازه‌گیری متغیر مدارای اجتماعی دانشجویان، از ۱۶ گویه در سطح اندازه‌گیری رتبه‌ای با طیف شش قسمتی کاملاً موافق، موافق، تا حدی موافق، تا حدی مخالف، مخالف و کاملاً مخالف استفاده شد. نمرهٔ ۹۶ در این طیف، نشان‌دهندهٔ بیشترین



میزان سرمایه روان‌شناختی و نمره ۱۶، نشان‌دهنده کمترین میزان سرمایه روان‌شناختی دانشجویان است. میانگین این شاخص برای دانشجویان مطالعه شده برابر ۶۴/۸۱ بوده است؛ یعنی میزان مدارای اجتماعی دانشجویان در حد متوسط بوده است. بررسی میزان مدارای اجتماعی به تفکیک ابعاد آن، نشان‌دهنده آن است که میانگین مربوط به این ابعاد تقریباً با هم برابرند، به جز در بعد مدارای جنسیتی.

جدول ۲: یافته‌های توصیفی متغیر مدارای اجتماعی و ابعاد آن

ابعاد مدارای اجتماعی	تعداد گویه‌ها	میانگین خام	میانگین درصدی
مدارای سیاسی	۴	۱۷/۶۴	۶۸/۲
مدارای عقیدتی	۴	۱۷/۸۱	۶۹/۰۵
مدارای رفتاری	۸	۲۹/۳۵	۵۳/۳۷
مدارای اجتماعی کل	۱۶	۶۴/۸۱	۶۱/۰۱

همچنین برای اندازه‌گیری میزان دینداری دانشجویان، از ۱۳ گویه در سطح اندازه‌گیری رتبه‌ای با طیف شش قسمتی کاملاً موافق، موافق، تا حدی موافق، تا حدی مخالف، مخالف و کاملاً مخالف استفاده شد. نمره ۷۸ در این طیف، نشان‌دهنده بیشترین میزان دینداری و نمره ۱۳، نشان‌دهنده کمترین میزان دینداری دانشجویان است. میانگین این شاخص برای دانشجویان مطالعه شده برابر ۴۷/۵۹ بود. به عبارت دیگر؛ میزان دینداری دانشجویان، حد متوسط رو به پایین را نشان می‌دهد. بررسی میزان دینداری به تفکیک ابعاد آن نیز حاکی از این است که بیشترین میانگین مربوط به بعد تجربی است و کمترین میانگین نیز به بعد مناسکی تعلق دارد.

جدول ۳: یافته‌های توصیفی متغیر دینداری و ابعاد آن

ابعاد دینداری	تعداد گویه‌ها	میانگین خام	میانگین درصدی
مناسکی	۵	۱۷/۹۹	۵۱/۹۶
تجربی	۴	۱۵/۱۶	۵۵/۸
پیامدی	۴	۱۴/۴۳	۵۲/۱۵
دینداری کل	۱۳	۴۷/۵۹	۵۳/۲۱

برای اندازه‌گیری میزان سرمایه اجتماعی دانشجویان نیز از ۱۲ گویه در سطح اندازه‌گیری رتبه‌ای با طیف شش قسمتی کاملاً موافق، موافق، تا حدی موافق، تا حدی مخالف، مخالف

و کاملاً مخالف استفاده شد. نمره ۷۲ در این طیف، نشان‌دهنده بیشترین میزان سرمایه اجتماعی و نمره ۱۲، نشان‌دهنده کمترین میزان آن است. میانگین این شاخص برای دانشجویان مطالعه شده برابر ۴۵/۸۰ بود. به عبارت دیگر؛ میزان سرمایه اجتماعی دانشجویان، حد متوسط را نشان می‌دهد. بررسی میزان سرمایه اجتماعی به تفکیک ابعاد آن نیز حاکی از این است که میانگین مربوط به بعد اعتماد اجتماعی نسبت به بعد شبکه اجتماعی قدری بیشتر است.

جدول ۴: یافته‌های توصیفی متغیر سرمایه اجتماعی و ابعاد آن

ابعاد سرمایه اجتماعی	تعداد گویه‌ها	میانگین خام	میانگین درصدی
اعتماد اجتماعی	۶	۲۳/۱۵	۵۷/۱۶
شبکه اجتماعی	۶	۲۲/۶۵	۵۵/۵
سرمایه اجتماعی	۱۲	۴۵/۸۰	۵۶/۳

#### ۲. یافته‌های استنباطی

نتایج تحلیل همبستگی متغیر میزان مدارای اجتماعی دانشجویان و متغیر دینداری و سرمایه اجتماعی و ابعاد آنها برای رعایت اختصار در جدول ۵ ارائه شده است.

جدول ۵: نتایج آزمون ضریب همبستگی پیرسون در ارتباط با متغیرهای مستقل و وابسته تحقیق

مدارای اجتماعی		متغیرهای مستقل
Sig	R	
۰/۰۰۱	۰/۲۶۰	مناسکی
۰/۰۰۱	۰/۳۵۳	تجربی
۰/۰۰۱	۰/۲۸۰	پیامدی
۰/۰۰۱	۰/۳۳۱	دینداری کل
۰/۰۰۱	۰/۳۱۶	اعتماد اجتماعی
۰/۰۰۱	۰/۲۷۱	شبکه اجتماعی
۰/۰۰۱	۰/۲۹۴	سرمایه اجتماعی کل

نتایج همبستگی بین متغیرهای تحقیق نشان داد که بین میزان دینداری و سرمایه اجتماعی و ابعاد آنها با متغیر مدارای اجتماعی دانشجویان همبستگی معنادار و مستقیم وجود دارد. به عبارتی؛ هر گونه افزایش در میزان دو متغیر دینداری و سرمایه اجتماعی دانشجویان، به ارتقای سطح مدارای اجتماعی آنان کمک می‌کند. همچنین هر یک از ابعاد متغیرهای مستقل

دینداری (ابعاد مناسکی، تجربی و پیامدی) و سرمایه اجتماعی (ابعاد اعتماد و شبکه اجتماعی) با میزان مدارای اجتماعی رابطه نزدیک داشتند. در ابعاد دینداری، بعد تجربی بیشترین همبستگی و بعد مناسکی کمترین همبستگی و در ابعاد سرمایه اجتماعی بعد اعتماد بیشترین همبستگی را با مدارای اجتماعی از خود نشان دادند.

تحقیق حاضر به دنبال تعیین سهم متغیرهای مستقل در تبیین تغییرات متغیر وابسته است؛ لذا استفاده از رگرسیون چند متغیره بهترین روش برای نشان دادن این امر می باشد. اما برای استفاده از تحلیل رگرسیون، ابتدا باید داده‌های مورد استفاده تحقیق از فیلتر پیش فرضهای رگرسیونی عبور کند. از این رو، ابتدا نتایج مربوط به پیش فرضهای رگرسیونی و سپس نتایج مربوط به تحلیل رگرسیونی ارائه می شود.

جدول ۶: نتایج مربوط به پیش فرضهای رگرسیون

مقدار آماره	آزمون	پیش فرض
۰/۱۱۸	کلموگروف اسمیرنوف	نرمال بودن
۱/۹۵۹	دوربین واتسون	استقلال خطاها
۰/۰۰۰	F	وجود رابطه خطی

با توجه به نتایج مندرج در جدول ۶، می توان نتیجه گرفت که:

۱. مقدار آزمون کلموگروف اسمیرنوف<sup>۱</sup>، پیش فرض نرمال بودن توزیع را تأیید می کند.
۲. مقدار آزمون دوربین واتسون<sup>۲</sup> در محدوده قابل قبول (۲/۵ تا ۱/۵) قرار دارد؛ بنابراین، مقدار آماره این آزمون برای مدل رگرسیونی تحقیق حاضر، استقلال خطاها را نشان می دهد.
۳. مقدار آماره آزمون F نیز نشان دهنده وجود رابطه خطی بین متغیرهاست.
۴. همچنین VIF<sup>۳</sup> مربوط به تمام متغیرهای وارد در مدل رگرسیونی در محدوده قابل قبول (کمتر از ۲/۵) قرار داشتند. (جدول ۸).

بنابر این، پیش فرضهای لازم برای استفاده از تحلیل رگرسیون در تحقیق حاضر رعایت شده است.

در تبیین مدارای اجتماعی دانشجویان به عنوان متغیر وابسته، همه ابعاد متغیرهای دینداری و سرمایه اجتماعی (ابعاد مناسکی، پیامدی و تجربی متغیر دینداری و ابعاد اعتماد اجتماعی و شبکه اجتماعی متغیر سرمایه اجتماعی) به عنوان متغیرهای مستقل وارد معادله رگرسیونی شد.

1 - Kolmogorov-Smirnov  
2 - Durbin Watson

برازش مدل رگرسیونی متغیرهای تبیین کننده به روش اینتر نشان داد که همه متغیرهای مستقل به جز بعد شبکه اجتماعی در مدل رگرسیونی قرار می گیرند. (جداول ۷ و ۸)

جدول ۷: تحلیل رگرسیون چندگانه و خلاصه مدل رگرسیونی برازش شده

ضریب همبستگی چندگانه	۰/۵۲۵
ضریب تبیین	۰/۲۷۶
ضریب تبیین شده تصحیح شده	۰/۲۶۴
اشتباه معیار	۹/۰۶
آزمون دوربین واتسون	۱/۹۵۹
کمیت	F= ۲۲/۰۴۹
مقدار	P= ۰/۰۰۰

جدول ۸: آماره‌های متغیرهای باقیمانده در مدل برازش رگرسیونی

نام متغیرها	B	STD.E	BETA	T	Sig	VIF
اعتماد اجتماعی	۰/۴۲۸	۰/۱۲۷	۰/۲۰۷	۳/۳۷۰	۰/۰۰۱	۱/۵۰۷
شبکه اجتماعی	۰/۰۷۰	۰/۱۱۰	۰/۰۳۹	۰/۶۳۴	۰/۵۲۷	۱/۴۷۳
بعد تجربی	۰/۳۲۶	۰/۰۸۲	۰/۲۴۹	۳/۹۷۹	۰/۰۰۰	۱/۵۶۳
بعد پیامدی	۰/۲۵۵	۰/۱۰۰	۰/۱۴۹	۲/۵۵۸	۰/۰۱۱	۱/۳۵۴
بعد مناسکی	۰/۲۱۲	۰/۱۲۲	۰/۱۰۶	۱/۹۷۸	۰/۰۵۰	۱/۴۶۶

نتایج مرتبط با تحلیل رگرسیون جهت سنجش تأثیر متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته نشان می دهد که متغیرهای وارد شده به مدل، ۲۶ درصد از واریانس متغیر وابسته را تبیین می کنند. در این مدل، متغیر مدارای اجتماعی بیشتر از همه از متغیر بعد تجربی دینداری با ضریب بتای ۰/۲۴۹ متأثر است. بعد از آن نیز متغیرهای اعتماد اجتماعی با ضریب ۰/۲۰۷، بعد پیامدی دینداری (۰/۱۴۹) و در نهایت بعد مناسکی (۰/۱۰۶) به ترتیب بیشترین نقش را در تبیین متغیر وابسته داشته اند. نتایج همچنین نشانگر عدم معناداری تأثیر متغیر شبکه اجتماعی بر متغیر مدارای اجتماعی بوده است.

#### د) بحث و نتیجه گیری

هدف اصلی از این تحقیق، بررسی ارتباط و تأثیر علل مرتبط با تقویت مدارای اجتماعی در بین دانشجویان دانشگاه فردوسی مشهد بود. نتایج تحقیق میانگین درصدی را برای متغیر مدارای اجتماعی ۶۱/۰۱ درصد، برای متغیر دینداری ۵۳/۲۱ درصد و برای متغیر سرمایه اجتماعی ۵۶/۳ درصد نشان داده است. این حد از میانگینها به نسبت حد متوسطی را در بین

نمونه تحقیق نشان می‌دهد. با این حال باید گفت که میانگین دینداری در حد متوسط اما رو به پایین است.

به لحاظ همبستگی بین متغیرها، نتایج تحقیق نشان‌دهنده رابطه دینداری و سرمایه اجتماعی و ابعاد آنها با مدارای اجتماعی دانشجویان بوده است؛ بدین ترتیب که با افزایش هر یک از متغیرهای دینداری و سرمایه اجتماعی و ابعاد آنها، میزان مدارای اجتماعی در بین دانشجویان تقویت می‌شود. در تبیین این یافته‌ها می‌توان به اهمیت دینداری افراد و همچنین میزان سرمایه اجتماعی افراد اشاره کرد؛ بدین ترتیب که به میزانی که افراد نسبت به انجام اعمال دینی مصمم‌تر بوده و به ارزشهای دینی، اعتقاد راسخ‌تری داشته و از مهارتهای اجتماعی بهتری در خصوص مدارای اجتماعی برخوردار بوده‌اند. همچنین به میزانی که افراد به یکدیگر اعتماد بیشتری داشته و در شبکه‌های اجتماعی از فعالیت بیشتری برخوردارند، مدارای اجتماعی بیشتری دارند.

نتایج به دست آمده با چارچوب نظری تحقیق (چیکرینگ و ریسر، ۱۹۹۳؛ اسکارمن، ۱۹۸۷؛ جین و کرنیو، ۲۰۰۹) و تحقیقات پیشین ذکر شده همچون: پژوهشهای سراج‌زاده و همکاران (۱۳۸۳)، جهانگیری و افراسیابی (۱۳۸۹)، شارع‌پور و همکاران (۱۳۸۸)، ترکارانی (۱۳۸۹)، برگرن و نیلسون (۲۰۱۳) و ایکدا (۲۰۰۲) همخوان و همسو است.

در نهایت، نتایج مربوط به رگرسیون متغیرهای مستقل نشان می‌دهد که متغیرهای مستقل تحقیق (بعد مناسکی، بعد پیامدی و تجربی متغیر دینداری و ابعاد اعتماد و شبکه اجتماعی متغیر سرمایه اجتماعی) تأثیر معناداری بر متغیر وابسته تحقیق (مدارای اجتماعی) دارند. در این مدل، متغیر مدارای اجتماعی بیشتر از همه، از متغیر بعد تجربی دینداری با ضریب بتای ۰/۲۴۹ متأثر است. بعد از آن نیز متغیرهای اعتماد اجتماعی با ضریب ۰/۲۰۷، بعد پیامدی دینداری (۰/۱۴۹) و در نهایت بعد مناسکی (۰/۱۰۶) به ترتیب بیشترین نقش را در تبیین متغیر وابسته داشته‌اند. نتایج همچنین نشانگر عدم معناداری تأثیر متغیر شبکه اجتماعی بر متغیر مدارای اجتماعی بوده است. به صورت کلی، نتایج مربوط به تحلیل رگرسیونی بیانگر تبیین ۲۶ درصدی از تغییرات متغیر وابسته توسط متغیرهای مستقل تحقیق بوده است.

در پایان و با توجه به نتایج حاصل از تحقیق حاضر، می‌توان گفت که مدارای اجتماعی به عنوان یکی از مهم‌ترین ارکان ایجاد جامعه‌ای آرام شناخته شده است که در این مسیر باید گامهای مؤثری برای تقویت آن و همچنین تقویت تساهل در جامعه برداشت. از همین رو،

باید گفت که در مسیر تقویت چنین متغیّری، باید بر اهمیت دینداری و همچنین تقویت احساس اعتماد تأکید کرد. به واسطهٔ اینکه فرهنگهای دینی مختلف، اصول به نسبت یکسانی در ارتباط با سایر افراد ارائه می‌دهد؛ دیندار بودن اشخاص به تقویت حس مدارا و تساهل کمک می‌کند و باعث می‌شود افراد با فرهنگهای مختلف بدون تعارض در کنار یکدیگر زندگی کنند. در کنار این مسئله نیز توجه به امر اعتماد و تقویت حس اعتماد اجتماعی در بین اقشار جامعه نسبت به یکدیگر می‌تواند بسیاری از نزاعها و خشونت‌های سطح جامعه را کاهش دهد. بنا بر این، اهمیت تأثیر متغیرهای مستقل تحقیق در تقویت مدارای اجتماعی در تحقیق حاضر به روشنی دیده شده است؛ از این رو، برای تقویت مدارای اجتماعی در بین نمونهٔ تحقیق، می‌توان پیشنهادهای ذیل را ارائه کرد:

- تلاش به منظور افزایش یا آموزش ارزشهای اخلاقی و دینی: از آنجا که ارزشهای دینی عنصری مهم در تقویت مدارای اجتماعی است، بایستی برنامه‌های آموزشی بیشتری در این خصوص برگزار و شرایط مناسب‌تری برای جامعه‌پذیری دینی در جامعه فراهم شود.
- ایجاد بستر اعتمادسازی بین افراد در جامعه و افزایش روابط اجتماعی برای دستیابی به همزیستی مسالمت‌آمیز و آزادی‌های برابر.

## منابع

- ادیب بهروز، امیرمجتبی (۱۳۸۹). «بررسی وضعیت دینداری دانش‌آموزان شهر قم». *مطالعات فرهنگی اجتماعی*، پیش شماره ۲: ۵۲-۲۹.
- ادیبی سده، مهدی و همکاران (۱۳۹۱). «مدارای اجتماعی و ابعاد آن». *رفاه اجتماعی*، سال سیزدهم، ش ۵۰: ۳۷۶-۳۵۳.
- افشانی، سید علیرضا و همکاران (۱۳۹۰). «مقایسه میزان سرمایه اجتماعی در بین دانشجویان دانشگاه یزد و اصفهان». *تحلیل اجتماعی نظم و نابرابری اجتماعی*، ش ۶۰: ۱۸۰-۱۵۷.
- امام جمعه زاده، سید جواد و همکاران (۱۳۸۹). «بررسی رابطه دینداری و مشارکت سیاسی دانشجویان دانشگاه اصفهان». *پژوهشنامه علوم اجتماعی*، سال ششم، ش ۱: ۳۴-۷.
- اوتوق، نازمحمد و همکاران (۱۳۹۸). «بررسی رابطه بین میزان دینداری با میزان مدارای اجتماعی در بین دانشجویان دانشگاههای شهر کلاله». *مطالعات جامعه‌شناسی*، سال یازدهم، ش ۴۲: ۱۲۴-۱۰۳.
- بهشتی، سید صمد و یاسر رستگار (۱۳۹۲). «تبیین جامعه‌شناختی مدارای اجتماعی و ابعاد آن در بین اقوام ایرانی». *مسائل اجتماعی ایران*، سال چهارم، ش ۲: ۳۵-۷.
- بیاتی، پروانه و همکاران (۱۳۹۷). «تبیین جامعه‌شناختی چالشها و فرصتهای مرتبط با مدارای اجتماعی شهروندان شهر تهران». *بررسی مسائل اجتماعی ایران*، دوره نهم، ش ۲: ۳۹-۱۷.
- پی پیکت، جوزف (۱۳۹۴). *فرهنگ علمی امریکن هریتیج*. ترجمه محمدرضا افضل و مجید ملکان. تهران: نی.
- ترکارانی، مجتبی (۱۳۸۹). «بررسی و سنجش وضعیت مدارای اجتماعی در لرستان». *تحقیقات علوم اجتماعی ایران*، سال اول، ش ۳: ۱۵۷-۱۳۵.
- جلائیان بخشنده، وجیهه و همکاران (۱۳۹۷). «تدوین و سنجش‌پذیری مقیاس مدارای اجتماعی مبتنی بر نظریه ساخت‌یابی گیدنز». *پژوهشهای جامعه‌شناسی معاصر*، سال هفتم، ش ۱۲: ۱۶۰-۱۳۵.
- جهانگیری، جهانگیر و حسین افراسیابی (۱۳۸۹). «مطالعه خانواده‌های شهر شیراز در زمینه عوامل و پیامدهای مدارا». *جامعه‌شناسی کاربردی*، سال بیست و دوم، ش ۳: ۱۷۵-۱۵۳.
- خسروپناه، عبدالحسین (۱۳۸۳). *کلام جدید*. قم: مرکز مطالعات و پژوهشهای فرهنگی حوزه علمیه.

- دومهری، مصطفی و همکاران (۱۳۹۸). «مطالعه رابطه بین سرمایه اجتماعی و مدارای اجتماعی (مورد مطالعه: شهروندان ۱۵ تا ۴۴ سال استان مازندران)». *مطالعات فرهنگ-ارتباطات*، سال بیستم، ش ۴۷: ۱۶۴-۱۴۱.
- ربیعی، علی و حکیمه صادق‌زاده (۱۳۹۰). «بررسی رابطه سرمایه اجتماعی بر کارآفرینی». *رفاه اجتماعی*، سال یازدهم، ش ۴۱: ۱۹۱-۲۲۱.
- سراج‌زاده، سید حسین و همکاران (۱۳۸۳). «بررسی رابطه میزان دینداری و انواع آن با مدارای اجتماعی». *علوم اجتماعی دانشگاه فردوسی*، سال اول، ش ۴: ۱۴۲-۱۰۹.
- شارع‌پور، محمود و همکاران (۱۳۸۸). «بررسی رابطه سرمایه اجتماعی با مدارا در بین دانشجویان دانشکده‌های علوم اجتماعی دانشگاه‌های تهران و علامه طباطبایی». *جامعه‌شناسی ایران*، دوره دهم، ش ۱: ۹۸-۶۴.
- عباس‌زاده، محمد و لیلا مقتدایی (۱۳۸۸). «بررسی جامعه‌شناختی تأثیر سرمایه اجتماعی بر دانش آفرینی». *جامعه‌شناسی ایران*، دوره دهم، ش ۱: ۲۸-۳.
- عباس‌زاده، محمد و مجتبی میرزائی (۱۳۹۳). «نقش دین در توسعه شبکه اعتماد اجتماعی دانشجویان». *فرهنگ در دانشگاه اسلامی*، سال چهارم، ش ۲: ۲۲۴-۱۹۹.
- عسگری، علی و محمود شارع‌پور (۱۳۸۸). «گونه‌شناسی مدارا و سنجش آن در میان دانشجویان دانشکده‌های علوم اجتماعی دانشگاه تهران و علامه طباطبایی». *تحقیقات فرهنگی*، دوره دوم، ش ۸: ۳۴-۱.
- گلابی، فاطمه و اکرم رضایی (۱۳۹۲). «بررسی تأثیر مشارکت اجتماعی بر مدارای اجتماعی در بین دانشجویان». *مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران*، دوره دوم، ش ۱: ۶۱-۸۶.
- گودی‌کانست، ویلیام بی. (۱۳۸۳). *پیوند تفاوتها: راهنمای ارتباط کارآمد بین گروهی*. ترجمه علی کریمی و مسعود هاشمی. تهران: تمدن ایرانی.
- میرزایی، حسین و مجتبی میرزائی (۱۳۹۷). «بررسی ارتباط بین ابعاد دینداری و سرمایه روان‌شناختی». *پژوهش‌های جامعه‌شناسی معاصر*، سال هفتم، ش ۱۲: ۲۱-۱.
- میرکمالی، سید محمد و نسرین جعفری (۱۳۹۱). «بررسی رابطه سرمایه اجتماعی با سرمایه انسانی کارکنان دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی». *مطالعات رفتار سازمانی*، سال اول، ش ۱: ۲۳-۳۶.
- نازک‌تبار، حسین و رضا ویسی (۱۳۸۷). «واکاوی رابطه سرمایه اجتماعی با تحصیل فرزندان». *فرایند مدیریت و توسعه*، ش ۶۹: ۱۲۱-۱۴۹.



- نازک تبار، حسین و همکاران (۱۳۸۵). «نقش دینداری در ممانعت از بزهکاری جوانان شهر تهران». *رفاه اجتماعی*، سال ششم، ش ۲۲: ۲۳۳-۲۵۷.
- والزر، مایکل (۱۳۸۳). *در باب مدارا*. ترجمه صالح نجفی. تهران: شیرازه.
- Agius, E. & J. Ambrosewicz (2003). **Towards a culture of tolerance and peace**. International Bureau for Children's Rights.
- Bergen, C.W. & d. Bandow (2010). "**Tolerance in HR Education**". *Journal of Human Resources Education*, Vol. 4, No. 1.
- Berggren, N. & T. Nilsson (2013). "**Does economic freedom foster tolerance?**". *Kyklos*, 66(2): 177-207.
- Chickering, A.W. & L. Reisser (1993). **Education and Identity**. The Jossey-Bass Higher and Adult Education Series. Jossey-Bass Inc., Publishers, 350 Sansome St., San Francisco, CA 94104.
- Cigler, A. & M.R. Joslyn (2002). "**The extensiveness of group membership and social capital: The impact on political tolerance attitudes**". *Political Research Quarterly*, 55(1): 7-25.
- Fernández, C. (2008). "**Toleration in the 21st Century: A Revised Liberal Defense**". *CFE Working Papers*, 34.
- Ferrar, W.J. (1976). "**The dimensions of Tolerance**". *Pacific Sociological Review*, 19: 63-81.
- Ikeda, Ken'ichi (2002). "**Social capital and social communication in Japan: Analysis on survey data on political participation before and during the General Election 2000**". *Japanese Journal of Electoral Studies*, 17.
- King, Peter (1976). **Toleration**. London, George Allen and Unwin.
- Küçükcian, T. (2000). "**Can religiosity be measured? Dimensions of religious commitment: Theories revisited**". *Uludağ Üniversitesi İlahiyat Fakültesi Dergisi*, 9(1).
- McKinnon, C. & D. Gastiglione (2003). "**Introduction: reasonable tolerance**". In: *The Culture of Toleration in Diverse Societies*. C. McKinnon & D. Castiglione (Ed.). UK: Manchester University Press.
- Nahapiet, J. & S. Ghoshal (1998). "**Social capital, intellectual capital, and the organizational advantage**". *Academy of management review*, 23(2): 242-266.
- Ofori, D. & J. Sackey (2010). "**Assessing social capital for organizational performance: Initial exploratory insights from Ghana**". *Organizations and markets in emerging economies*, 1(2): 71-91.
- Persell, C.H.; A. Green & L. Gurevich (2001). "**Civil society, economic distress, and social tolerance**". *Sociological forum*, Vol. 16, No. 2: 203-230. Kluwer Academic Publishers-Plenum Publishers.
- Vogt, W.P. (1997). **Tolerance & education: Learning to live with diversity and difference**. Sage Publications, Inc.
- Woolcock, M. & D. Narayan (2000). "**Social capital: Implications for development theory, research, and policy**". *The World Bank research observer*, 15(2): 225-249.
- Wulff, D.M. (1997). **Psychology of Religion: Classic and Contemporary Views**. New York: John Wiley.
- Yusuf, H.O. (2013). "**Promoting peaceful co-existence and religious tolerance through supplementary readers and reading comprehension passages in**

**basic education curriculum".** *International Journal of Humanities and Social Science*, 3(8): 224-232.

- Zhang, L. (2008). **"Religious affiliation, religiosity, and male and female fertility"**. *Demographic Research*, 18.
- Adeeb Behrouz, Amir Mojtaba (2009). **"Investigation of the religiosity status of students in Qom"**. *Sociocultural Studies*, Issue 2: 29-52.
- Adibi Sadeh, Mehdi et al. (2012). **"Social tolerance and its dimensions"**. *Social welfare*, 13th year, Vol. 50: 376-353.
- Afshani, Seyed Alireza et al. (2013). **"Comparison of social capital among students of Yazd and Isfahan universities"**. *Social Analysis of Social Order and Inequality*, Volume 60: 157-180.
- Imam Jumezadeh, Seyyed Javad and colleagues (2009). **"Investigating the relationship between religiosity and political participation of Isfahan University students"**. *Journal of social sciences*, 6th year, No. 1: 7-34.
- Onag, Nazmohammed et al. (2018). **"Investigation of the relationship between the level of religiosity and the level of social tolerance among the students of Kalaleh universities"**. *Sociological Studies*, Year 11, No. 42: 103-124.
- Beheshti, Seyyed Samad and Yaser Rastgar (2012). **"Sociological explanation of social tolerance and its dimensions among Iranian ethnic groups"**. *Iran's social issues*, fourth year, Vol. 2: 7-35.
- Bayati, Parvaneh et al. (2017). **"Sociological explanation of the challenges and opportunities related to the social tolerance of the citizens of Tehran"**. *Review of Iran's social issues*, No. 2: 17-39.
- Ppickett, Joseph (2014). **The American Heritage student science dictionary**. Translated by Mohammad Reza Afzali and Majid Malekan. Tehran: Ney.
- Tarkarani, Mojtaba (2009). **"Reviewing and measuring the state of social tolerance in Lorestan"**. *Iranian social science research*, first year, vol. 3: 157-135.
- Jalaian Bakhshandeh, Vajiheh and others (2017). **"Development and measurability of social tolerance scale based on Gidden's construction theory"**. *Contemporary Sociological Researches*, 7th year, No. 12: 135-160.
- Jahangiri, Jahangir and Hossein Afrasiabi (2010). **"Study of Shiraz families in terms of factors and consequences of tolerance"**. *Applied Sociology*, Year 22, No. 3: 153-175.
- Khosropanah, Abdul Hossein (2004). **New theology: religious experience...** Qom: Seminary Center for Cultural Studies and Research.
- Domhari, Mustafa and others (2018). **"the relationship between social capital and social tolerance (case study: citizens aged 15 to 44 in Mazandaran province)"**. *Culture-Communication Studies*, 20th year, Vol. 47: 164-141.
- Rabiei, Ali and Hakime Sadeghzadeh (2018). **"Investigating the relationship between social capital and entrepreneurship"**. *Social Welfare*, Year 11, No. 41: 191-221.
- Serajzadeh, Seyyed Hossein and others (2013). **"Investigating the relationship between the level of religiosity and its types with social tolerance"**. *Ferdowsi University Social Sciences*, first year, Vol. 4: 109-142.
- Sharepour, Mahmoud and others (2008). **"Investigating the relationship between social capital and tolerance among students of social sciences faculties of Tehran and Allameh Tabatabai universities"**. *Sociology of Iran*, No. 1: 64-98.
- Abbaszadeh, Mohammad and Leila Moqtadaei (2009). **"Sociological study of the effect of social capital on knowledge creation"**. *Sociology of Iran*, Volume 1: 3-28.

- Abbaszadeh, Mohammad and Mojtaba Mirzaei (2013). "**The role of religion in the development of students' social trust network**". Culture in Islamic University, fourth year, vol. 2: 224-199.
- Asgari, Ali and Mahmoud Shareahpour (2008). "**Typology of tolerance and its measurement among students of social sciences faculties of Tehran University and Allameh Tabatabai**". Cultural research, No. 8: 1-34.
- Gulabi, Fatemeh and Akram Rezaei, (2012). "**Investigating the effect of social participation on social tolerance among students**". Social studies and research in Iran Vol. 1: 61-86.
- Gudykunst, William B. (2004). **Bridging Differences: A Guide to Effective Intergroup Communication**. Translated by Ali Karimi and Masoud Hashemi. Tehran: Iranian civilization.
- Mirzaei, Hossein and Mojtaba Mirzaei (2017). "**Examination of the relationship between religiosity dimensions and psychological capital**". Contemporary Sociological Researches, No. 12: 1-21.
- Mirkamali, Seyyed Mohammad and Nasreen Jafari (2013). "**The relationship between social capital and human capital of the employees of Tarbiat University of Shahid Rajaei**". Organizational Behavior Studies, first year, Vol. 1: 23-36.
- Nazoktabar, Hossein and Reza Vaisi (2007). "**Analysis of the relationship between social capital and children's education**". Management and Development Process, No. 69: 121-149.
- Nazoktabar, Hossein and others (2006). "**The role of religiosity in preventing the delinquency of young people in Tehran**". Social welfare, 6th year, Vol. 22: 257-233.
- Walzer, Michael (1383). **On tolevation**. Translated by Saleh Najafi. Tehran: Shiraz.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی